



## ریاضی در کلام رهبری



این بروشور گزیده ای برگرفته از بیانات رهبر معظم انقلاب حضرت آیت الله امام خامنه ای (مدظله العالی) از [KHAMENEI.IR](http://KHAMENEI.IR) می باشد.

### اهمیت علوم پایه

در زمینه‌ی علم، من بر نقطه‌ی خاص می‌خواهم تأکید کنم: یکی، علوم پایه است؛ یکی، علوم انسانی. ما به دنیا که نگاه می‌کنیم، می‌بینیم آن چیزی که کشورهای پیشرفته را توانسته به این اوج و قله برساند، ریاضی، فیزیک، شیمی و علوم زیستی است؛ ما باید به این علوم بپردازیم. البته در سال‌های بعد از انقلاب - قبل از انقلاب هم به شکل جریان ضعیف‌تر - پزشک، مهندس و به میزان زیاد حقوق‌دان تربیت کردیم که این تخصص‌ها لازم است و برای یک کشور مثل آب و هواست؛ منتها توجه بکنیم که تربیت پزشک، تربیت مهندس، تربیت حقوق‌دان، تربیت معلم، تربیت نیازهای روزمره‌ی جامعه است و ما باید محقق هم تربیت کنیم که بتواند آینده را برای ما صاف کند. مهندس، این بنا را برای امروز ما می‌سازد و نیازهای امروز ما را برآورده میکند که اگر ما مهندس و دکتر نداشته باشیم، باید برویم از بنگلادش بیاوریم؛ مثل زمان رژیم طاغوت. همین مسأله درباره‌ی نداشته مهندس هم صدق میکند، که الحمدلله ما امروز در

زمینه‌ی مسایل راه، سد، بناهای مهم و کارهای عظیم، مهندسانی داریم که خودشان کارها را انجام میدهند و پزشکان عالیقدری هم داریم که کارهای بزرگی را انجام میدهند که یک وقت در این کشور کسی خوایش را هم نمیدید که بتوانند انجام بدهند؛ لیکن اینها امکانات مصرفی هستند؛ این، پولی است که ما در جیب‌مان می‌گذاریم برای این که خرج کنیم و غیر از آن مرکز پول‌سازی است که بایستی در آن جا سرمایه‌گذاری کرد، که ما آن را هم لازم داریم؛ بخصوص در دانشگاه‌ها. بنابراین، به علوم پایه در دانشگاه‌ها اهمیت داده شود.

بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگ

۸۴/۱۰/۱۳

من در جلسه‌ی شورای عالی انقلاب فرهنگی هم به آن آقایانی که مؤثرین در فرهنگ هستند، گفته‌ام که شماها جایگاه مهندسی فرهنگی را در این کشور دارید. در آن جلسه گفته‌ام که دو شاخه‌ی اصلی وجود دارد: علوم انسانی و علوم پایه؛ هر کدام به جای خود. اگر ما این‌جا روی علوم انسانی تکیه میکنیم، معنایش این نیست که روی ریاضی و فیزیک و شیمی و علوم زیستی تکیه نمیکنیم، چرا؛ آن‌جا هم بنده یک تکیه‌ی صددرصدی دارم؛ آنها هم برای خودشان مردانی و کسانی دارند؛ علوم انسانی هم بایستی مردان و کسانی برای خودشان داشته باشد. باید روی این دو شاخه - دو شاخه‌ی اصلی؛ یعنی علوم انسانی و علوم پایه - در کشور، سرمایه‌گذاری فکری، عملی، پولی و تبلیغی بشود تا این‌که پیش بروند. علم را بایستی در حدّ اعلا دنبال کنید.

**بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام) ۸۴/۱۰/۲۹**

رهبر معظم انقلاب پیشرفت علمی را رمز توسعه‌ی همه‌جانبه و موفقیت هر ملت در عرصه‌های گوناگون برشمردند و همه‌ی دستگاه‌ها و مراکز ذی‌ربط را به توسعه‌ی علم در کشور فراخواندند. ایشان در دیدار رئیس و جمعی از همکاران دفتر همکاری‌های فناوری ریاست‌جمهوری، علوم پایه را مبنای پیشرفت علمی دانستند و افزودند: باید به گونه‌ای علوم پایه را در کشور توسعه بدهیم که دانستن علمی مانند فیزیک، شیمی، ریاضی و دیگر علوم پایه به یک عرف و مسئله‌ای همگانی تبدیل شود تا بتوانیم با تکیه بر نوآوری و ابتکار، سرعت دستیابی به قله‌های علمی را افزایش دهیم. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای برخی تلاش‌ها برای انحصاری کردن علم را محکوم به شکست خواندند و با اشاره به افق‌های بسیار درخشان کار علمی مؤمنانه و عاشقانه در کشور افزودند: ایرانی‌ها ملتی کاملاً با استعدادند و همان‌گونه که در عرصه‌های مختلف علمی نشان داده‌اند، از توانایی دستیابی به قله‌های رفیع دانش برخوردارند و همین واقعیت می‌تواند پایه‌ی توسعه‌ی حقیقی کشور قرار گیرد.

## **دیدار رئیس و جمعی از همکاران دفتر همکاری‌های فناوری ریاست جمهوری با رهبر انقلاب ۸۴/۱۱/۵**

باید مسؤولان کار علمی در کشور، زمینه‌ها را فراهم نمایند و همه کمک کنند. راه‌ها را برای جوانان ممتاز و برتر باز کنند؛ هم در علوم ریاضی، هم در علوم طبیعی، هم در علوم انسانی، هم بخصوص در زمینه ادبیات فارسی، هم در مسائل علوم دینی، هم در فلسفه و در مسائل فکری. در همه این رشته‌ها ما احتیاج داریم که کسانی با این استعدادهای درخشان ان‌شاءالله میدان جلوشان باز باشد و بتوانند پیشرفت کنند که این تکلیف مسؤولان را سنگین میکند. امیدواریم که ان‌شاءالله خداوند باز هم به شما توفیق دهد و در مسابقات جهانی و در میدانهای علمی کاری خودتان روزبه‌روز توفیقاتتان زیاد شود؛ هم شما خوشحال شوید و هم ما را خوشحال کنید.

**بیانات در دیدار جمعی از نخبگان علمی ۸۷/۷/۱۹**

مسئله‌ی بعدی، نامتوازن شدن رشته‌های دانشگاهی است؛ بعضی از رشته‌ها در غربت قرار گرفته‌اند. آماري که به من داده‌اند نشان می‌دهد که مثلاً حدود پنجاه درصد داوطلبان کنکور رشته‌ی ریاضی که رشته‌ی بسیار مهمی است، کاهش پیدا کرده؛ این برای آینده‌ی کشور خطرناک است؛ ما این رشته‌های مهم علوم پایه را - بخصوص مثل ریاضی را یا فیزیک را - برای آینده لازم داریم؛ اگر چنانچه داوطلبان اینها کم باشند و هجوم بشود به رشته‌های درآمدزا که حالا یک پولی و شغلی بلافاصله در اختیار انسان می‌گذارد، این [موجب] مشکل است. عوارض این عدم توازن را بایستی دستگاه‌های دانشگاهی حتماً جبران کنند و درست کنند.

**بیانات در دیدار جمعی از استادان، نخبگان و پژوهشگران دانشگاه‌ها ۹۷/۳/۲۰**

### **لزوم توجه به المپیادها و نخبه پروری**

توصیه دیگری که دارم این است که تا آن جا که میتوانید به نیروهای داخلی تکیه کنید. البته میدانم این توصیه مورد توجه شماس، چون تا حدود زیادی عمل هم شده است؛ لیکن میخواهم روی آن تأکید بیشتری کنم. استعداد در داخل کشور ما برجسته و بیش از حد معمول و متوسط است. مکرراً گفته‌ام که متوسط استعداد در ایران بالاتر از متوسط استعداد در کل جهان است. پیشرفتهایی که در المپیادهای ریاضی و فیزیک و شیمی و ... به دست آوردیم، نشان داد ما جوانانی داریم که از استعدادهای بالایی برخوردارند. کسانی که در این مسابقات، مقامات بالا به دست آوردند، افراد استثنایی نبودند؛ بلکه فرزندان این مملکتند. یقیناً از قبیل این افراد هزارها و صدها هزار در این مملکت وجود دارند. اینها را به آموزش، پرورش، توسعه علم و تحقیق تربیت کنید. به کار فرهنگی به معنای واقعی کلمه اهتمام ورزید. وقتی که اینها رشد پیدا کردند، میتوانند کشور و بلکه دنیا را با

دستهای خودشان اداره کنند. تکیه بر توان و امکانات داخلی نیز از همین مقوله است.

**بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت ۷۴/۶/۸**

این بشارتی که بنده عرض میکنم، حقیقی است. حرکت علمی و شکوفایی استعدادها در دانشگاههای ما رو به پیشرفت است. شما ملاحظه کنید که داوطلبان شرکت در المپیادهای داخلی و خارجی در رشته‌های مختلف علمی رو به افزایش هستند. به بنده گزارشی داده شد که اگر اشتباه نکنم، صدهزار نفر در سال گذشته داوطلب بودند تا در المپیاد ریاضی شرکت کنند؛ این رقم بالایی است. کسانی که آشنا و خبره هستند، گفتند که از این صدهزار نفر، اقلأً چهل هزار نفر در وضعیت درسی و تحصیلی ایده‌آل قرار دارند. یا در علوم پایه، ما در المپیادهای جهانی همیشه جزو ده کشور اول دنیا محسوب میشویم. حتی در رشته رایانه - که یک رشته صددرصد وارداتی است؛ یعنی ما هیچ سابقه‌ای از این رشته نداشته‌ایم - نیز توانسته‌ایم

رتبه‌های بالا را در المپیادهای جهانی کسب کنیم. استعداد ایرانی در این محصول‌گیری نقش دارد که همین استعداد را هم انکار می‌کردند. بنده چند سال است که مرتب فریاد میکشم: «استعداد ایرانی»؛ اکنون پس از این همه سال تازه تبدیل به فرهنگ شده است! حالا همه معتقدند که ایرانی مستعد است؛ و آلا در سابق همین را هم انکار می‌کردند و میگفتند: «از ایرانی کاری بر نمی‌آید؛ از ایرانی قطع امید باید کرد.» این‌گونه به ذهنها القاء می‌کردند. استعداد دخیل است، اما کافی نیست؛ تلاش هم شده، هم از سوی کننده کار - دانشجو - هم از سوی مدیریت، استاد و ... این روند، روند خوبی است؛ چرا این را ندیده بگیریم و هم‌هانش برای خودمان آیه یأس بخوانیم؟ این، جنبه علمی قضیه.

**بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان ۸۱/۹/۷**

رهبر انقلاب، «مدارس استعدادهای درخشان» و «تخبه‌پروری در کشور» را بسیار مهم برشمردند و با تأکید بر تقویت هرچه بیشتر این مدارس گفتند: جایگاه ایران در المپیادهای جهانی باید حفظ شود و تنزل رتبه‌های کشور در برخی المپیادها از جمله ریاضی، فیزیک، شیمی و رایانه جبران شود و کشور و ملت به المپیادی‌های جوانی که رتبه‌های جهانی کسب میکنند، افتخار کند.

**دیدار معلمان و فرهنگیان با رهبر انقلاب ۹۸/۲/۱۱**

**نقش تربیتی معلمان به ویژه معلم ریاضی و...**

من هم عقیده‌ام این است که شمای معلم فیزیک یا ریاضیات یا هندسه یا ادبیات یا علوم اجتماعی یا هرچه، میتوانید معلم دین و معلم اخلاق و پرورش‌دهنده‌ی اخلاق در دانش‌آموز خودتان باشید. گاهی یک معلم ریاضی در هنگام حل یک جدول ریاضی یک کلمه می‌گوید که آن کلمه در اعماق قلب دانش‌آموز اثر ماندگاری می‌گذارد. این را همه‌ی معلمین بایستی وظیفه‌ی خودشان بدانند. و من به شما عزیزانی که اینجا حضور دارید و به همه‌ی معلمها - هرچه تدریس میکنید - عرض میکنم که از این مسئله غفلت نکنید که تربیت کردن هم جزو کار شماست؛ و چه بهتر که با نفوذ معلمی، با تأثیر روحی معلم بر متعلم - از این امکان - استفاده کنید و یک نقطه‌ی روشن و نورانی‌ای در قلب دانش‌آموز باقی بگذارید. یک کلمه از خدا، یک کلمه از پیغمبر، یک جمله از قیامت، یک کلمه از معنویت و سلوک الی الله و محبت به خدا، گاهی ممکن است از شما به عنوان دبیر ریاضی یا دبیر ادبیات یا معلم کلاس اول دبستان یا دوم دبستان

صادر شود که شخصیت این کودک یا این نوجوان، این انسانی را که مخاطب شمامست، شکل مطلوب بدهد که از صد ساعت حرف زدن در شکل‌های دیگر اثرش بیشتر باشد. این به جای خود محفوظ؛ این وظیفه است، لکن نافی این نیست که ما در آموزش و پرورش یک بخشی داشته باشیم که به طور متعهد و مسئول، نگران قضیه‌ی پرورش باشد؛

### بیانات در دیدار معلمان استان فارس ۱۲/۰۲/۱۳۸۷

باید برای تربیت دانش‌آموزان هم خیلی اهمیت قائل شد. البته شنیدم در آموزش و پرورش مطرح شده است که بخش تربیت را با تعلیم همراه کنیم تا معلم در کلاس، تربیت هم بکند. این حرف بسیار درستی است؛ بنده هم معتقدم که معلم فیزیک، معلم زیست‌شناسی، معلم ریاضی، یا هر معلم دیگری، میتواند با یک کلمه و تلنگر، آن چنان تأثیری روی ذهن دانش‌آموز بگذارد و چنان تربیتی بکند که گاهی با یک کتاب نشود آن تأثیر را گذاشت؛ اما این منافاتی ندارد با این که بخش تربیت با همان استحکام، در آموزش و پرورش باقی بماند

و مورد اعتنا قرار گیرد. البته این را تطوّر و پیشرفت دهید و تکمیل کنید. پیشرفت در همه حال خوب است. ایستایی و جمود در هیچ کاری خوب نیست. باید پیشرفت کرد؛ اما باید قاعده را حفظ نمود.

### بیانات در دیدار جمعی از مسئولان وزارت آموزش و پرورش ۸۱/۴/۲۶

آنچه من بجد طرفدار آن هستم، همان چیزی است که بعضی از دوستان هم گفتند: ارتقاء سطح تحصیلی معلمان، تا آن جایی که ممکن باشد. در این زمینه، راه‌هایی هم پیشنهاد شد - مثل کار تحقیق میان معلمان - که باید بررسی و پیگیری شود.

از همه‌ی اینها مهمتر، مسأله‌ی دیانت است. اگر میخواهید کار معلمی شما مورد رضای خدا و نسل‌های آینده قرار گیرد و در انجام وظیفه‌تان از شما به نیکی یاد شود، بچه‌ها را متدین بار بیاورید. متدین بار آوردن بچه فقط کار معلم تعلیمات دینی نیست؛ یک معلم ریاضی، یک معلم فیزیک، یک معلم فارسی و ادبیات هم با یک نکته‌گویی بجا و با

یک تک مضراب میتواند تفکر دینی را در اعماق دل شاگرد و مخاطب خود جا دهد تا یادش نرود. گاهی حتی بیش از معلم دینی میتوانند اثر بگذارند. وقتی معلم دینی سر کلاس می‌آید، یک تکلیف است و بچه‌ها و همه‌ی انسان‌ها نسبت به تکلیف، حالت امتناع دارند. این آقا میخواهد بیاید تکلیف بدهد؛ اگر خیلی خوش‌بین و خوش‌برخورد و خوش‌اخلاق و خوش‌تدریس باشد، یک مقدار حرفش قابل قبول است؛ اگر اینها هم نباشد، که دیگر هیچ. اما یک معلم فیزیک، یک معلم ریاضی، یک معلم شیمی، یک معلم ادبیات فارسی، یک معلم تاریخ، گاهی در خلال صحبت، با یک کلمه‌ی بجا - حقیقتاً یک کلمه - میتواند تأثیری در روح کودک و نوجوان و جوان بگذارد که او را به معنای واقعی کلمه متدین و پابند کند. شماها میتوانید این کار را بکنید؛ هم در دبستان، هم در راهنمایی، هم در دبیرستان. بچه‌ها را متدین بار بیاورید. متدین بار آوردن بچه‌ها همان چیزی است که میتواند آینده‌ی این کشور را آباد کند. اگر ما میخواهیم این کشور پیشرفت صنعتی کند، پیشرفت مادی کند، پیشرفت فرهنگی کند، رتبه‌ی اول منطقه را - همان‌طور که در سند

چشم‌انداز آمده - حائز شود، این در سایه‌ی انگیزش دینی و ایمان امکان‌پذیر است. وقتی ایمان بود، انسان دنبال ایمان حرکت میکند و با همه‌ی سختیها هم میسازد.

### بیانات در دیدار جمعی از معلمان استان کرمان

۸۴/۲/۱۲

نقش استاد در محیطهای آموزشی نقش بسیار برجسته و مهمی است. استاد فقط آموزنده‌ی دانش نیست؛ بلکه منش استاد و روش استاد میتواند مربی باشد؛ استاد، تربیت کننده است. تأثیر استاد روی شاگرد، علی‌الظاهر از تأثیر بقیه‌ی عوامل مؤثر در پیشرفت علمی و معنوی و مادی متعلم بیشتر است؛ از بعضی که خیلی بیشتر است. گاهی استاد میتواند یک کلاس را، یک مجموعه‌ی دانشجو یا دانش‌آموز را با یک جمله‌ی بجا تبدیل کند به انسانهای متدین. لازم هم نیست حتماً رشته‌ی علوم دینی یا معارف را تدریس کند؛ نه، شما گاهی یک جا در درس فیزیک، یا در درس ریاضی، یا در هر درس دیگری - علوم انسانی و غیر انسانی - میتوانید یک

کلمه بر زبانتان جاری کنید، یا یک استفاده‌ی خوب از یک آیه‌ی قرآن بکنید، یا یک انگشت اشاره به قدرت پروردگار و صنع الهی بکنید که در دل این جوان میماند و او را تبدیل میکند به یک انسان مؤمن. استاد اینجوری است.

۸۹/۴/۲

من عرض میکنم شما اگر چنانچه در یک غزل هفت هشت بیتی، یک بیت را اختصاص بدهید به مضمون انقلابی یا اخلاقی یا معرفتی، این غزل، غزل انقلابی است؛ این غزل، غزل اخلاقی است و اثر خودش را میگذارد. فرض کنید معلم ریاضی اگر در اثنای درس ریاضی، به صورت تک مضرب، یک کلمه از توحید بگوید، از آفرینش بگوید، از عصمت پیامبران بگوید، من گمان میکنم گاهی اثرش از یک ساعت درس معلم تعلیمات دینی بیشتر است. من این تکمضربها را در شعر غزلی از شما میخواهم. غزلتان را بگوئید؛ هرچه احساس دارید، هرچه عاطفه دارید، هرچه عشق و شور دارید، در ابیات غزل بریزید؛ منتها از این غزل هفت هشت بیتی، دو بیتش

مخصوص یک مضمون ناب اسلامی و انقلابی و اخلاقی باشد. این یک نکته است، که البته نکته‌ی مهمی است.

### بیانات در دیدار شاعران ۹۱/۵/۱۴

هر معلم یک پرورنده - یعنی معلم اخلاق - هم هست؛ معلم ریاضیات، معلم فیزیک، معلم طبیعی، در عین حال معلم اخلاق هم هست. گاهی یک معلم سر کلاس، فرض بفرمایید در وسط درس هندسه یا درس شیمی، در زمینه‌ی مسائل معنوی یا در زمینه‌ی خداشناسی یک کلمه بر زبانش جاری میشود که گاهی آن یک کلمه، بیش از یک کتاب در ذهن دانش‌آموز اثر میگذارد و باقی میماند؛ با اخلاق خود، با منش خود؛ معلم دارای اخلاق، پرورنده‌ی اخلاق در دانش‌آموز است.

### بیانات در دیدار معلمان و فرهنگیان ۹۶/۲/۱۷



آن وقت این متون بایستی جوان را همان جور که عرض کردم بار بیاورد. یکی از چیزهایی که در این متون باید حتماً مورد توجه قرار بگیرد این است که پیامهای انقلاب و معارف انقلاب در این متون باید گنجانده بشود. معارف انقلاب فقط در کتاب معارف دینی و مانند اینها نیست، یا در کتاب مثلاً ادبیات و امثال اینها؛ در همه‌ی متون میشود به مناسبت‌هایی معارف انقلاب را، اشاره‌های انقلاب را، درسهای انقلاب را گنجانند. بنده مکرراً گفته‌ام؛ گاهی یک معلم ریاضی، یک معلم فیزیک، سر کلاس یک کلمه ممکن است بگوید که از یک ساعت سخنرانی این حقیر تأثیرش در آن دانش‌آموز بیشتر باشد، این جوری است؛ معارف انقلاب گنجانده بشود؛ این هم یک موضوع. بنابراین مسئله‌ی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی را جدی بگیرید، به آن اهمیت بدهید، آنجا را غنی کنید از لحاظ انسانهای دانا و آگاه و خوش فکر و متدین و انقلابی.

**بیانات در دیدار معلمان و فرهنگیان ۹۸/۲/۱۱**

## **لزوم توجه به نخبگان علمی و تجلیل از آنان و یاد دانشمندان و ریاضیدانان قدیم ایران**

در کشور ما هزار سال علم و دین در کنار یکدیگر بودند. علمای بزرگ تاریخ ما - پزشکان بزرگ، منجمین بزرگ، ریاضی‌دان‌های بزرگ؛ آن کسانی که امروز نامشان و اکتشافاتشان هنوز در دنیا مطرح است - جزو علماء بالله بودند؛ جزو صاحبان دین و متفکران دینی هم بودند. ابن‌سینایی که هنوز کتاب طب او در دنیا به‌عنوان یک کتاب زنده‌ی علمی مطرح است، ابن‌سینایی که در این هزار سال در شئون مختلف به‌عنوان یک چهره‌ی برجسته‌ی تاریخ بشر در همه‌ی صحنه‌های علمی دنیا مطرح بوده و هنوز هم مطرح است و در تاریخچه‌ی علم در عالم، بعضی چیزها به نام او ثبت شده است، یک عالم دینی هم هست؛ همین‌طور محمد بن زکریای رازی، همین‌طور ابوریحان بیرونی، همین‌طور دیگر علما و دانشمندان و متفکرین و مکتشفین و مخترعین دنیای اسلام. این وضع کشور ما و دنیای اسلام ما بود. تا وقتی دین حاکم بود، تا وقتی

صحنه‌ی زندگی مردم از دین و نفوذ معنوی دین بکلی خالی نشده بود، وضع این جور بود.

**بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان و طلاب به‌مناسبت روز وحدت حوزه و دانشگاه ۶۸/۹/۲۹**

در همین دیدار حضرت آیه‌الله خامنه‌ای با اشاره به اینکه کشور ما در زمینه‌ی علم و دانش و دین سابقه‌ی هزار ساله دارد، فرمودند: ملت ایران در طول قرن‌های متمادی در اوج قله‌ی علم بود و ملت‌های اروپائی در جهالت به سر می‌بردند. ابن‌سینا، ابوریحان بیرونی، محمد بن زکریای رازی، عمر خیام و بسیاری دیگر از دانشمندان بزرگ اسلامی در علوم طبیعی و ریاضی کسانی بودند که در قرون وسطی می‌زیستند. قرون وسطی برای ملت‌های اروپائی دوران تاریکی و جهل برای ملت مسلمان ایران دوران درخشش علم و دانش محسوب می‌شود.

رهبر انقلاب اسلامی آنگاه به سابقه‌ی تاریخی علم و دانش در ایران اشاره کردند و فرمودند: دانشمندان، منجمین، طبیبان و ریاضی‌دانان بزرگ

که نام و اکتشافات آنها هنوز در دنیا مطرح است جزء متفکران و صاحب‌نظران علوم دینی هم بوده اند. ابن سینا که کتاب‌های او در دنیا به عنوان کتاب‌های زنده مطرح و در شئون مختلف یک چهره‌ی برجسته تاریخ بشر محسوب می‌شود خود یک عالم دینی هم بوده است همچنین ابوریحان بیرونی، زکریای رازی و عمر خیام از دیگر دانشمندان، مکتشفین و مخترعین بزرگ دنیای اسلام هستند.

### دیدار جمعی از دانشگاهیان و طلاب و اقشار مختلف مردم با رهبر انقلاب ۶۸/۹/۲۹

دیگر نقطه قوت ملت ایران عبارت است از سابقه کهن و ریشه‌دار تاریخی، فرهنگی، علمی و غیره که در وجود آن تردیدی نیست. ملتی را که تازه امروز از زیر بوته بیرون آمده و تبدیل به یک ملت شده و فاقد گذشته و سابقه و علم و فرهنگ و بزرگان است، نمیتوان با ملتی مقایسه کرد که روزی بزرگترین دانشمندان دنیا از آن‌ها بودند و این امتیاز هم نه یک بار و دوبار، که قرنهای متمادی مربوط

به او بود. در قرنهای بعد از اسلام، یعنی از قرن چهارم هجری به بعد، تا چند قرن - نمیخواهم به طور دقیق مرزبندی کنم؛ چون مرزهای قرون، محلّ اختلاف و خدشه است. اما اصلش مسلم است - بزرگترین دانشمندان دنیا در رشته‌های مختلف علوم - چه در رشته طبیعی، چه در رشته انسانی، چه در رشته نجوم و چه در ادبیات و فلسفه و ریاضی - ایرانی بودند و از میان آنها «فارابی»ها، «ابن سینا»ها، «فخر رازی»ها، محمد بن زکریای رازی»ها، «خوارزمی»ها و «خیّام»ها و «فردوسی»ها و «سعدی»ها برخاستند. اینها گذشته ملت ماست.

### بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان و پرسنل ارتش ۷۳/۱/۲۴

سنت حسنه‌ی تجلیل از چهره‌های علمی برجسته‌ی تاریخ شیعه باید یکی از با برکت‌ترین و مفیدترین سنتها در این مقوله به شمار آید. حقیقت آن است که در بخشهایی از تاریخ پر بار فرهنگ و علوم اسلامی، شخصیت‌های بزرگ و مؤثری بوده‌اند

که نسل کنونی علمی و فرهنگی کشور با نام و یاد آنان آشنا نیست و از آثار علمی و ثمرات اندیشه بلند آنان بهره‌ی شایسته را نمی‌برد. حوزه‌های علمی شیعه چه در دوران رونق حوزه‌ی علمیه نجف و کربلا و چه پیش از آن در روزگار شکوفایی علمی و فرهنگی اصفهان و برخی شهرهای دیگر در دوران صفویه، مجموعه‌ی بزرگی از فقهای نامدار و فیلسوفان و متکلمین بزرگ را در خود پرورش داده‌است که هر یک از آنان می‌توانند برای جامعه‌ی علمی امروز و بخصوص فرزنانگان و علم‌جویان حوزه‌های علمیه، الگو و راهگشا و آموزنده باشند. ویژگی پرجاذبه‌ی این دانشمندان گمنام، غالباً جامعیت آنان و برجستگی شگفت‌آورشان در علوم گوناگون مانند فقه و فلسفه و تفسیر و علوم ریاضی و حتی شعر و ادب است. این تفنن و تنوع در معلومات همچنان که از آفاق ذهنی گسترده‌ی حوزه‌های علمیه خبر می‌دهد، نمایشگر ذهن خلاق و فکر بلند و استعداد وافر این بزرگان نیز هست. بی‌شک در فهرست این ستارگان غالباً ناشناخته‌ی آسمان علم و فرهنگ، خانواده‌ی جلیل خوانساریها بویژه محقق برجسته و کم‌نظیر مرحوم آقا حسین



خوانساری و فرزند فقیه و حکیم و بزرگوارش مرحوم آقا جمال خوانساری می‌باشند. در عظمت و شأن مرحوم آقا حسین خوانساری همین بس که نام‌آوران بزرگی همچون وحید بهبهانی و شیخ انصاری از او با عناوین "محقق" و "استاد الكل فی الكل" و امثال آن یاد کرده‌اند. او و فرزندش حکیم و فقیه و اصولی و متکلم و ریاضیدان و محدث و ادیب بوده و سهم وافری در شکوفایی و درخشش حوزه‌ی فرهنگی و علمی اصفهان در دوران میانی و پایانی صفویه داشته‌اند. اگرچه برخی از مؤلفات فقهی آنان در معرض استفاده اهل فن بوده‌است، ولی مجموعه‌ی آثار آنان هرگز به صورت قابل قبول در دسترس دانش پژوهان علوم اسلامی قرار نگرفته است.

**پیام به کنگره بزرگداشت محققان، آقا حسین، آقا جمال و آقا رضی خوانساری ۷۸/۶/۳۹**

در جمع علما و دانشمندان - چه فقها و محدثان، چه دانشمندان علوم ریاضی، چه فیلسوفان و حکیمان و متکلمان - نام کاشان برجستگی دارد.

این سوابق را ما برای این تکرار نمیکنیم که خود را به گذشته دلخوش کنیم و از حال غافل بمانیم؛ نه. سوابق و افتخارات علمی و فرهنگی و هنری و سایر افتخارات تاریخی یک شهر، نشان‌دهنده استعدادهایی است که در حال حاضر از آن استعدادهای باید کمال استفاده بشود. به مردم دارای چنین ریشه تاریخیای نگویند که شما گذشته و تاریخ ندارید؛ چرا، همه‌جای کشور ما همین‌طور است. من مقیدم در هر منطقه‌ای روی نام پُرافتخار مفاخر و چهره‌های علمی و فرهنگی آن شهر تکیه کنم. از زمان ائمه علیهم‌السلام در سلک روات، علی‌بن‌محمد قاسانی بود که در طریق بسیاری از روایات، نام شریف این محدث بزرگ وجود دارد. در قرونی که تألیفات اسلامی رواج داشت، بزرگان و شخصیت‌های برجسته علمی در فقه و حدیث - مثل قطب راوندی، یا قبل از او، سیدابوالرضا فضل‌الله راوندی - بودند. یا غیاث‌الدین جمشید کاشانی، ریاضیدان برجسته و معروف قرون گذشته، متعلق به این منطقه بوده است. در دوره‌های بعد، فقها و حکما و متکلمان بزرگ، مفسران برجسته و نام‌آور، شخصیت‌های سیاسی و مؤلفان نامدار - امثال فیض

کاشانی، ملامهدی نراقی و پسرش ملااحمد نراقی - در این منطقه استمرار پیدا کرده‌اند و انسان هیچ زمانی را نمیبیند که این زنجیره قطع شده باشد.

**بیانات در دیدار مردم کاشان و آران و بیدگل  
۸۰/۸/۲۰**

بدترین مشکل یک کشور این است که تمدن و هویت خود را فراموش کند. ما باید امروز در صدد ساختن تمدن خود باشیم و باور کنیم که این ممکن است. در تبلیغات گذشته این کشور در خصوص ناتوانی ایرانی و توانایی غربیها آن قدر مبالغه شده که امروز اگر کسی بگوید ما کاری کنیم که غربیها به علم ما احتیاج پیدا کنند، میبینید که در دلها یک حالت ناباوری به وجود می‌آید؛ مگر چنین چیزی ممکن است؟ بله؛ من عرض میکنم میشود. شما همت کنید پنجاه سال دیگر این‌طوری شود. البته این چیزها در کوتاه‌مدت اتفاق نمیافتد؛ اما اگر شما امروز در راه درست قدم بردارید، هیچ اشکالی ندارد که پنجاه سال دیگر، جهت اتوبان علم - که امروز یکطرفه و از یک سو به سوی دیگر است - یا

دو طرفه شود، یا یکطرفه و از این سو به آن سو شود؛ چه مانعی دارد؟ مگر یک روز این‌طور نبود؟ یک روز علم را غربیها از شرق و از همین ایران گرفتند. پایه‌گذار بسیاری از علوم که امروز در دنیا رایج است، ایرانیها هستند. در ریاضی، فیزیک، پزشکی، نجوم و بسیاری از علوم دیگر، ایرانیها پایه‌گذار بودند. اصلاً رنسانسِ اروپا بر اساس ترجمه‌هایی که در کشورها و مناطق اسلامی انجام گرفته بود، صورت گرفت. ما میتوانیم این را تصوّر کنیم که یک روز ایران تولید کننده خلاق علم شود.

### بیانات در دیدار جمعی از نخبگان علمی ۸۱/۷/۳

من مایلم در مسافرت‌هایی که به همه نقاط کشور میکنم، ذهنهای جوان و شفاف نسل نوی کشورمان را به نقاط برجسته‌ای که در آن منطقه و شهر وجود داشته و دارد، متوجه کنم. در این‌جا هم مایلم جوانان زنجان - که یقیناً با تاریخ شهر خودشان کم و بیش آشنا هستند - به افتخارات برجسته منطقه و استان خود ببالند. این موضوع، درست نقطه مقابل نقشه‌ای است که دشمنان ملت ایران

در خصوص افکار عمومی مردم و جوانان ما طراحی کرده‌اند. برای جوان زنجان بسیار حائز اهمیت است که بداند شهر و منطقه او از دیر باز منطقه‌ای فرهنگی و دارای رشد علمی و اخلاقی بوده است. شما در تاریخ، برجستگان علمی و فرهنگی در فلسفه، فقه و ریاضی دارید که از این سرزمین برخاسته‌اند و یکی از معروفترین آنها «شیخ شهاب‌الدین سهروردی» - شیخ اشراق - است که به عنوان یک فیلسوف و متفکر برجسته اسلامی، نام درخشانش در همه دایره‌المعارف‌های دنیا ثبت شده است.

### بیانات در دیدار مردم زنجان ۸۲/۷/۲۱

رهبر معظم انقلاب اسلامی در بخش دیگری از سخنانشان با تشکر صمیمانه از استقبال گرم و پر شور مردم مومن و متدین قزوین، به تشریح خصوصیات فرهنگی و دینی مردم این منطقه پرداختند و افزودند: مردم قزوین در طول تاریخ پرافتخار خود به خصوصیات هم‌چون تدین، مناعت طبع، فداکاری و سخاوتمندی مشهور بوده اند و

صدها فقیه، حکیم، مورخ، ریاضی دان و هنرمند برجسته در این منطقه پرورش یافته اند که جوانان قزوینی باید به این سابقه کهن و پر افتخار تکیه کنند.

### دیدار مردم قزوین با رهبر انقلاب ۸۲/۹/۲۵

از دوره‌ی اسلامی شهر همدان خبر دارم؛ از دوره‌ی قبل از اسلام خبر درستی ندارم؛ یعنی هیچ‌کس خبر ندارد. در دوره‌ی اسلامی، همان وقتی که ابن‌سینا در این شهر برترین نظریات را در فلسفه و پزشکی و هندسه و ریاضیات و سایر علوم و فنون خلق میکرد و مینوشت و تعلیم میداد .

### بیانات در دیدار دانشجویان و اساتید دانشگاه‌های استان همدان ۸۳/۴/۱۷

اما حرف من این است که چرا ما باید یک نخبه‌ی علمی را کمتر از یک نخبه‌ی ورزشی بها بدهیم؟ ما چقدر نخبه‌های علمی داریم که در قلعه‌اند؛ چقدر نخبه‌ی علمی داریم که اگر چنانچه دست

کشورهای دیگر به اینها برسد، آنها را فوراً می‌فایند و می‌برند؛ اینها را باید تجلیل کنیم.

حالا من از باب مثال مرحوم کاظمی آشتیانی را مثال می‌زنم - حالا چون بارها اسم ایشان را برده‌ایم و از دنیا هم رفته، خدا ایشان را رحمت کند - یا همین جوان عزیزی که آقای دکتر واعظ زاده اسمش را آوردند - که پارسال اینجا در جمع ما بوده و امسال فوت کرده - خب، اینها تجلیل بشوند، شناخته بشوند. ما نخبگان علمی تاریخیمان را هم ترویج نمی‌کنیم؛ خیلی از مردم کشور ما علمای بزرگ و دانشمندان بزرگ رشته‌های مختلف را نمی‌شناسند؛ نه فقط در رشته‌های فقه و فلسفه و علوم دینی، بلکه دانشمندانی که در رشته‌های رائج امروز دنیا - در فیزیک، در ریاضی، در شیمی، در مکانیک - در تاریخ خود ما برجسته بودند و کارهای بزرگی - آن روز انجام دادند و بعضی از اختراعات آنها حتی امروز مورد استفاده است. نه جوانهای ما اسمهایشان را میدانند، نه ترویجی از آنها میشود، نه یادی از آنها میشود! خیلی نقیصه‌ی بزرگی است. این هم بایستی حتماً اصلاح بشود.

**بیانات در دیدار نخبگان جوان دانشگاهی ۸۷/۶/۵**

### **تفکر ریاضی در حل مسائل کشور**

آنچه که من در دنباله‌ی عرایض عرض میکنم - که دیگر وقت دارد تمام میشود و مجال نیست - این است که برادران و خواهران عزیز! مسئولان محترم! ما باید مسائل کشور را با این دید نگاه کنیم؛ آرمانها جلوی چشم ما باشد؛ واقعیت‌های تشویق‌کننده جلوی چشم ما باشد. در مورد واقعیت‌های منفی - که در واقع در بعضی موارد واقعیت‌سازی است، واقعیت‌نمایی است - دچار اشتباه نشویم. البته توان دشمن را دست‌کم نگیریم، سهل‌انگاری و ساده‌انگاری نکنیم. مسئله، مسئله‌ی اساسی و مهمی است. شما مثل یک ریاضیدانی که میخواهد یک مسئله‌ی مهم ریاضی را حل کند، بر سر این مسئله تلاشتان را به کار ببرید و مسئله را حل کنید. شما ریاضیدان با استعدادی هستید؛ این هم یک مسئله‌ی ریاضی است. اینجوری باید با مسائل گوناگون برخورد کنید. خوشبختانه انسان مشاهده میکند که همین روحیه هم در دستگاه‌های گوناگون وجود دارد. به مسئله‌ی اقتصاد باید با این دید نگاه کرد

**بیانات در دیدار کارگزاران نظام ۹۱/۵/۳**

### **تدین عالم**

یک عنصر دیگری که باز با جوانها باید در میان گذاشت، مسئله‌ی تدین است. جوانهای عزیز! تدین، رعایت دینی، در حد وسع و امکان، این مایه‌ی توجهات الهی است؛ مایه‌ی توفیقات انسانی است؛ مایه‌ی پیشرفت است؛ این را دست‌کم نگیرید. من میخواهم بگویم شما اگر فلان فرمول ریاضی، یا فلان عنصر شیمیایی، یا فلان اختراع را به وجود می‌آورید یا کشف میکنید و پیدا میکنید و حل میکنید، در همان حال توجه‌تان به خدا، به شما کمک خواهد کرد. اولاً خدای متعال مدد میکند شما را؛ کارها دست خداست. شاید گفته باشم من، آن روزی که همین مسئله‌ی سلولهای بنیادی را جوانهای ما داشتند دنبال میکردند و کشف میکردند، خدا رحمت کند مرحوم مهندس کاظمی، رئیس این مؤسسه‌ی رویان آمده بود با همان جمع پیش من گزارش میداد. گفت من تلفن کردم که بینم مهندس جوانی که مشغول تعقیب این قضیه بود، کار را به کجا رسانده - چون مثلاً دیروز گفته بود که فردا کار را تمام میکنیم - خانمش بود،

گوشی را برداشت و گفت آقای مهندس آن نقطه‌ی آخر را توانسته پیدا کند و افتاده به سجده، دارد گریه میکند. وقتی مرحوم مهندس کاظمی این قضیه را میگفت، هم خودش گریه‌اش گرفت، هم آن جوان که در مجلس بود، گریه‌اش گرفت. بنا کردند گریه کردن. نقش معنویت را دست کم نباید گرفت.

**بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های شیراز ۸۷/۴/۱۲**

### **دروس مورد علاقه**

دورانه‌های کلاس اول و دوم و سوم را که اصلاً یادم نیست و الان هیچ نمیتوانم قضاوتی بکنم که به چه درسهایی علاقه داشتیم؛ لیکن در اواخر دوره دبستان - یعنی کلاس پنجم و ششم - به ریاضی و جغرافیا علاقه داشتیم. خیلی به تاریخ علاقه داشتیم، به هندسه هم - بخصوص - علاقه داشتیم. البته در درسهای دینی هم خیلی خوب بودم؛ قرآن را با صدای بلند میخواندم - قرآن خوانِ مدرسه بودم - یک کتاب دینی را آن وقت به ما درس میدادند - به نام تعلیمات دینی - برای آن وقتها کتاب خیلی خوبی بود؛ من تگه‌هایی از آن کتاب را که فصل، فصل بود، حفظ میکردم.

در همان دوره آخر دبستان - یعنی کلاس پنجم و ششم - تازه منبر آقای «فلسفی» را از رادیو پخش میکردند که ما از رادیو شنیده بودیم. من تقلید منبر او را - در بچگی - میکردم و به همان سبک، آن بخشهای کتاب دینی را با صدا بلندی و خیلی شمرده، پشت سر هم میخواندم. معلم و پدر و

مادرم خیلی خوششان می‌آمد؛ مرا تشویق میکردند. بله؛ این درسهایی بود که آن زمان دوست میداشتم.

**گفت و شنود صمیمانه رهبر انقلاب با جمعی از جوانان و نوجوانان ۷۶/۱۱/۱۴**

دورانه‌های کلاس اول و دوم و سوم را که اصلاً یادم نیست و الان هیچ نمیتوانم قضاوتی بکنم که به چه درسهایی علاقه داشتیم؛ لیکن در اواخر دوره دبستان - یعنی کلاس پنجم و ششم - به ریاضی و جغرافیا علاقه داشتیم. خیلی به تاریخ علاقه داشتیم، به هندسه هم - بخصوص - علاقه داشتیم. البته در درسهای دینی هم خیلی خوب بودم؛ قرآن را با صدای بلند میخواندم - قرآن خوانِ مدرسه بودم - یک کتاب دینی را آن وقت به ما درس میدادند - به نام تعلیمات دینی - برای آن وقتها کتاب خیلی خوبی بود؛ من تگه‌هایی از آن کتاب را که فصل، فصل بود، حفظ میکردم.

**گوشه‌هایی از خاطرات آیت‌الله خامنه‌ای از والدهی مکره‌شان ۷۶/۱۱/۱۵**